

سرم و بوسید و موهامو نوازش کرد:

_ برای همیشه مال من میشی آيسان؟

قفسه ی سيش و بوسيدم:

_ کارت چی شاهرخ؟ ميخواي بين اين کتافتا من نگه داري؟ چهارروز ديگه بچمون بياد
چی؟

با کلافگی نفس عمیقی کشيد:

_ همه چيو درست ميکنم تو نگران نباش، باشه؟

از ته دلم بهش اطمینان داشتم: چشم نفسم.

محکم منو به خودش چسبوند و گفت:

_ تا حالا هيچ زنی عاشق من نبود، نگرانم نبود، حواسش بهم نبود. هيچ زنی تو روم
واينستاد هيچ زنی دلم و نلرزوند، تو اوليشی آيسان.

با ناز گفتم: برا همین عاشقم شدی؟

_اره چون خاصی، چون پاکی. طلاق گرفته بودی اما بدنت و در اختيار کسی نداشتی
محدودیتی نداشتی اما برای خودت محدودیت گذاشتی.

لبخندی زدم که گوشه ی لبمو بوسيد:

_خوشگل خانوم با حیای من.

گازی از لباس گرفتم و گفتم:

_قول میدی تا چند ماه دیگه تکلیف زندگیمون معلوم شده باشه؟

_اره عزیزم قول میدم، من بخاطر تو دنیا رو خراب میکنم.

سرم و روی سینه ی پهنش گذاشتم و با آرامش چشمم و بستم.

موهام و نوازش کرد و گفت: دیگه نمیخوام پیش دامون بری امروز فهمیدم طاقت ندارم.

_نقشمون چی؟ شاهرخ زمینت میزنه. بزار برم بزار زمینش بزنی عشق من. تو که بهم

اعتماد داری، نداری؟

_معلومه که دارم..

حرکت دستشو سمت خشتکم حس کردم و نفسام مقطع شد.

_ولی نمیخوام با اون توی یه مکان باشی و نفس بکشی.

انگشتشو برد توی..



کاربر گرامی جهت اطلاع از زمان پارت بعدی این رمان و دسترسی راحت تر به

پارت های جدید لطفا در کانال و پیج اینستاگرام ما عضو شوید :

جهت عضویت در کانال تلگرامی و اینستاگرامی ما روی عکس زیر کلیک کنید

(برای عضوین در کانال تلگرامی فیلتر شکن را روشن کنید سپس کلیک کنید)

عضویت در کانال تلگرامی رمان پلاس

اطلاع از زمان دقیق آپدیت ها / دسترسی سریعتر به پارت های جدید / اخبار سایت و..



عضویت در پیج اینستاگرام فایل استار

اطلاع از تیزر رمان های برتر / اخبار دنیای رمان / دسترسی به نویسنده رمان ها

